فاز جدیدی از اعتیاد در ایران

خوشی‌های لحظه‌ای «بچه پولدارها»

طهورا شهبازی

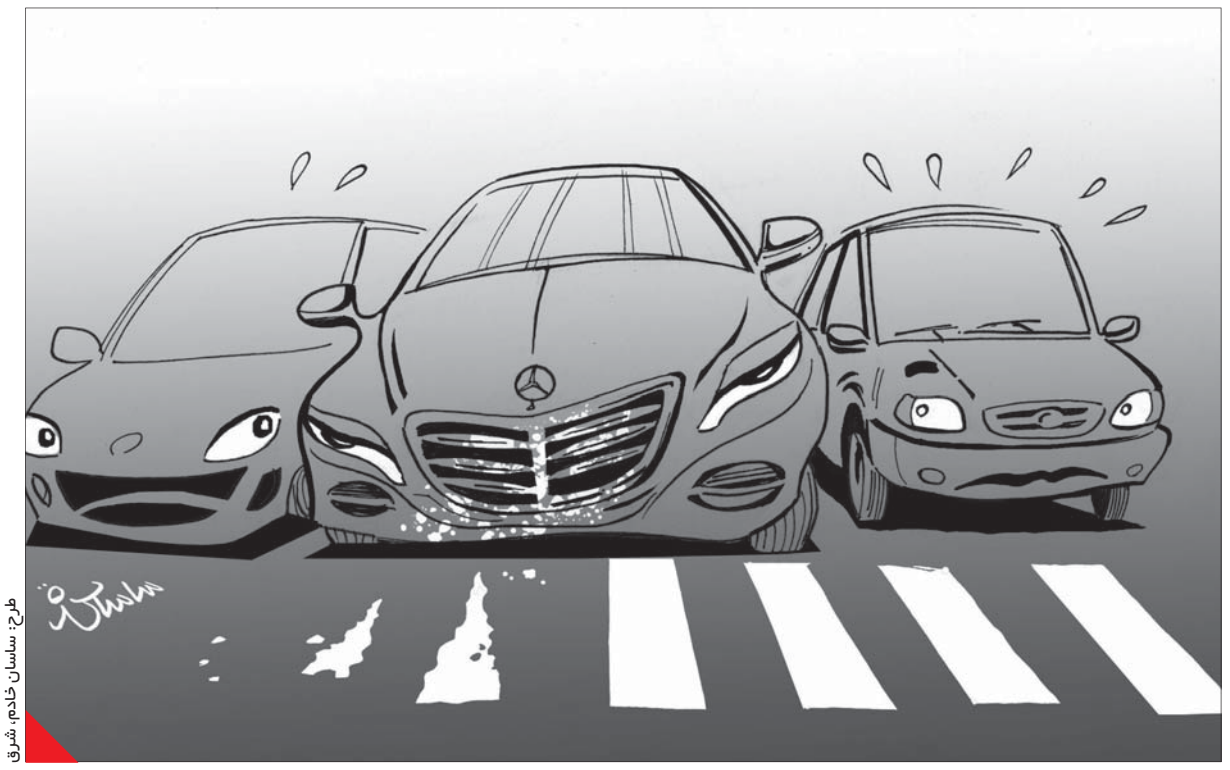

طرح: ساسان خادم، شرق

به طرف پیانو که گوشه‌ای از خانه مجللشان را اشغال کرده، رفت. شروع به نواختن که می‌کند، دستش نمی‌رود. در پس‌وپیش ذهنش نت‌ها را جست‌وجو می‌کند ولی تمامی نت‌های دنیا از خاطرش رفته است. مایوسانه در پیانو را می‌بندد و بلند می‌شود. گذر از چند کوچه‌پس‌کوچه خیابان فرشته پشت برج‌هایی که با فاصله یک‌طبقه از هم بالاوپایین می‌شوند به یکی از خانه‌ها که ظاهر خیره‌کننده‌ای دارد، می‌رسد. خانه‌ای که «آیدا» در آن ساکن است. آفتاب محصورشده پشت درختان روبه‌روی خانه به صورت نوار باریکی روی کوچه افتاده. آیدا تازه پا به ۱۸سالگی گذاشته است. دختر یکی از کارخانه‌داران بزرگ که کارخانه‌های پدرش از انگشتان‌دست هم فراتر می‌رود.

در آسانسور باز می‌شود. با آن چشمان براق و پوست عسلی‌رنگ، سگ تریرش را که بغل گرفته به سمت خانه هل می‌دهد. خودش بعد از سگ وارد می‌شود. کلاس خصوصی بدنسازی خواهرش مجبورش کرده دو، سه ساعتی را در استخر خانه سرگرم باشد. معلم فیزیکش را که چند دقیقه‌ای به انتظارش نشسته بود به سمت اتاق هدایت می‌کند. دو سال اقامت در دوبی «سارا» را یک‌سال از همسن‌وسال‌هایش عقب انداخته «اگر با پدرم نرفته بودم حالا پیش‌دانشگاهی بودم.» سه سال قبل سوار بر سی‌ال‌اس یشمی‌رنگ پدر بود که دو نفری به سمت فرودگاه رفتند.

سارا از میهمانی‌های چند شب گذشته‌اش می‌گوید. پیداکردن موادی مثل گل در این میهمانی‌ها خیلی راحت است. مصرف‌کردن هم راحت‌تر؛ میهمانی‌ای که از بیرون به آن «میهمانی بالاشهری‌ها» گفته می‌شود... سارا با خونسردی تمام از مصرف بی‌دغدغه همه همسن‌وسالانش برای لحظه‌ای شادی می‌گوید. اینکه سن مصرف موادی مثل گل روزبه‌روز کمتر می‌شود.

موزیک ایتالیایی رامازوتی فضا را پر می‌کند. موسیقی او را به ایتالیا می‌برد. میلان؛ مرکز مد جهان. جاموجلال دنیای مد غرقش کرده تا آنجا که رشته معماری را در ایران رها می‌کند. به سمت میلان پرواز می‌کند تا واحدهای طراحی لباس را یکی پس از دیگری پاس کند. مقصدش می‌شود دانشگاه کانسیگرو، عشقش می‌شود طراحی لباس. «کیوان» ۲۳ساله است که پالوتلو (صاحب برندی معروف) کارش را می‌پسندد. «وقتی پالوتلو کارم را دید بهم پیشنهاد کار داد، منم مجبور شدم درس را در ایتالیا ول کنم» این را می‌گوید و قهوه‌اش را سرمی‌کشد. رامازوتی هنوز آن انجل را می‌خواند.

ضبط ماشین را خاموش می‌کند از ماشین که پیاده می‌شود چنان شق‌ورق راه می‌رود تا رفتار شاهزاده‌وارش را به رخ همه بکشد. درخشش آفتاب روی نگین‌های ساعت رولکسی که به دست بسته نگاه‌ها را خیره می‌کند. عینک دیور مشکی‌رنگ را بالای سرش می‌برد. کیف هرمس را باز می‌کند. سوییچ را داخل آن می‌اندازد و به طرف خانه مجللشان حرکت می‌کند. «روژین» خانواده تحصیلکرده‌ای دارد و ۱۹سالی که از زندگی‌اش گذشته به مهربانی و سادگی بین دوستانش شهره بوده.

«از ۱۹سالگی همه چیز داشتم، پول، ماشین و... دوست داشتم استقلال داشته باشم. اوایل پدرم موافقت نمی‌کرد ولی وقتی دید خودم اندازه خودمو می‌دونم و هرکسی را به خانه راه نمی‌دهم، اعتمادش جلب شد و یکی از خانه‌هایش را در خیابان نیاوران به من داد.» حرفش را که تمام می‌کند دستی به مدل موهای کلاسیکش می‌کشد.

«آریا» با قدرت پدال گاز را تا انتها فشار می‌دهد کیلومترشمار از جا کنده می‌شود. صدای آهنگ راک گوشخراش اتوبان را انباشته. با کمی چپ‌وراست رفتن وارد لاین سرعت می‌شود و ویراژ می‌دهد.

***

«من مشکلم از بابام شروع شد. پدرم چهارسال پیش، ما را ول کرد و رفت انگلیس. تو بدترین‌سن تنها شدم. با رفتن پدرم تمام انگیزه‌هام دونه‌دونه رفت. چون من عاشق پدرم بودم.» آیدا قلاب توجیه را به‌سمت پدرش و زندگی تلخی که برای او باقی گذاشته گیر می‌دهد. توجیهش این می‌شود که از زندگی ناامید باشد که دور آینده را خط بکشد و روزگارش را در دورهمی‌هایی خلاصه کند که ماری‌جوانا نقل محفلشان است. سارا هم مثل آیدا تقصیر را به گردن پدرش می‌اندازد که زندگی او را به جهنم تبدیل کرده و او را به سمت ماری‌جوانا سوق داده است: «تا چند سال پیش همه چیز خوب بود. پدرم دست‌به‌زن داشت جز برای من. بداخلاق بود الا برای من. حتی یک‌روز به‌روی خواهرم اسلحه کشید. کلا آدم روانی‌ای بود اما من سوگلی پدرم بودم» تا اینکه ورق برای سارا هم برمی‌گردد و از تمام محبت‌های پدر بی‌نصیب می‌ماند چون پدر دیگر ایران نیست و سارا را با مادر و خواهرش تنها گذاشته.

برای شادبودن می‌توان دلیل داشت یا می‌توان دلیل ساخت اما روژین علف را انتخاب کرد تا به‌زور وادار به خنده‌اش کند و سرخوشانه زندگی کند. آیدا علف زد تا پنج‌دقیقه از دنیا فارغ باشد و جای غم‌وشادی را برای دقایقی در ذهنش جابه‌جا کند و سارا علف کشید تا بلکه غوغای سرکوفته درونش، راهی به بیرون باز کند.

اما برای استفاده از مواد حتما نباید مشکل خاصی داشت گاهی ره صدساله را یک‌شبه‌رفتن، اعتمادبه‌نفس بالا و کمال‌طلبی علتی می‌شود تا آریا و کیوان، کوکایین را دستاویزی قرار دهند برای رسیدن به اینها.

«خیلی از بازیگرها و افراد مشهور رو می‌شناسم که برای اینکه اعتمادبه‌نفسشان بالا بره از کوکایین استفاده می‌کنند. من خودم چون همه‌چیز داشتم پول و ماشین خوب، دوست داشتم دیگه عالی بشم. کوکایین روی ظاهر خیلی تاثیر داره، صورت رو زیبا می‌کنه، گونه میاره، بینی رو کوچیک می‌کنه و آب زیر پوستت میندازه.»

از دسترس زمان دوربودن، کیوان را برای استفاده از مواد پرانگیزه کرده بود. راهی را که طراح مد ۵۰ساله رفته دوست ندارد، دوست دارد در ۱۹سالگی، ۵۰ساله شود. «من فقط می‌خوام از زندگیم لذت ببرم. وقتی یه چیزی هست که باعث پیشرفتت می‌شه چرا نکنی. بزرگای طراحی دنیا همه کوک می‌کشن و من الان انقد پیشرفتم چشمگیرشده که تو ایتالیا از برندهای معتبر بهم پیشنهاد کار میدن. من قبل از اکثر طراحی‌هام یا کوکایین می‌کشم یا ال‌اس‌دی می‌زنم.»

جنس اعتیادشان با بقیه فرق دارد چون جنسشان فرق می‌کند. جنس‌هایشان به اسم جنس «بچه‌پولدارها» معروف است. کوک، علف (ماری‌جوانا یا گل) و ال‌اس‌دی (اسید) پرطرفدارترین مواد بین آنهاست.

دکتر معیدفر، جامعه‌شناس، اعتیاد را جور دیگری تعریف می‌کند مساله اعتیاد از استفاده تفننی از موادمخدر باید تفکیک شود گاهی افرادی چند وقت یک‌بار و تفننی در شرایط خاصی حتی به شکل فردی از مواد مخدر سنتی یا صنعتی استفاده می‌کنند ولی امکان دارد درگیر نشوند البته همین هفته‌ای یا ماهی چندبار هم معنی درگیرشدن را می‌دهد ولی درگیرشدن به‌طوردقیق وقتی به کار می‌رود که تمام زندگی فرد، تحت‌الشعاع استفاده از مواد قرار گیرد. یعنی روابط شخصی و شغل فرد را تحت‌تاثیر قراردهد به‌طوری‌که فرد با افراد خاصی مثل کارتن‌خواب‌ها حشرونشر داشته باشد و از زندگی معمولی کاملا جدا شده باشد. اینجاست که می‌گوییم اعتیاد به طور کامل شکل گرفته است.

حالا دیگر ماری‌جوانا و کوکایین به جزو لاینفک میهمانی‌ها و دورهمی‌های جوانانی مثل آیدا، سارا و کیوان تبدیل شده و تمام همسن‌وسالان یا حتی کوچک‌ترها برای لحظه‌ای شادی یا حتی عقب‌نماندن از قافله دوروبری‌ها حتی برای یک‌بار هم که شده به سراغش می‌روند.

البته این خوشی‌های لحظه‌ای و دل‌سپردن به آنها جایی هم دنباله‌روهایش را به ستوه می‌آورد؛ جایی که آیدا باید دست از تفریحات موردعلاقه‌اش بکشد «تا پارسال پیانو و فلوت می‌زدم ولی نفسم دیگه بالا نمیاد چون از دوم راهنمایی سیگار می‌کشم. اصلا سر کلاس نمی‌تونم مغزمو جمع کنم و موجودی کاملا عصبی شده‌ام. اصلا هدفی برای زندگی ندارم.» این را می‌گوید و ناخن‌هایش را ذره‌ذره میان دندان‌هایش ریز می‌کند.

> **از دسترس زمان دوربودن، کیوان را برای استفاده از مواد پرانگیزه کرده بود. راهی را که طراح مد ۵۰ساله رفته دوست ندارد، دوست دارد در ۱۹سالگی، ۵۰ساله شود**

آریا و کیوان قدرت اراده برایشان تعریف شده و معنی آن را خوب می‌فهمند. اراده برای آنها هفته‌ای دو، سه‌بار موادکشیدن به جای روزی دو، سه‌بار کشیدن است. خیال می‌کنند هروقت خواستند می‌توانند خیلی راحت مواد را کنار بگذارند و حالا که چهار، پنج سال مصرف می‌کنند نه از اعتیاد اثری دیده‌اند نه از موادشان بدی. هرچه بوده خوبی بوده و سرخوشی.

اما روژین قانون اراده‌شان را نقض می‌کند اولین‌بار که کشیدن برایش خنده‌وشادی آورد فکر نمی‌کرد که کارش به روزی ۴۰، ۵۰ رول برسد و برای خانواده‌اش گریه بیاورد. «من تو زندگیم هیچی کم نداشتم هیچکدوم از دوستام فکرشو نمی‌کردند شاگرد مثبت کلاس به این روز بیفته. واقعا الکی علف‌کشیدن رو شروع کردم و بعد هی زیاد شد.» هی زیاد شد تا به متادون، ال‌اس‌دی و داروی بیهوشی اسب رسید. «ال‌اس‌دی که مصرف می‌کنم فازهای مختلف می‌گیرم یک‌بار احساس کردم کل بدنم آتیش گرفته یکبار دیگر دیدم دست و پایم کش می‌آید تا آسمون.»

اما «فاز» کیوان چیز دیگری است. کاغذ، هم‌صحبتش می‌شود وقتی ال‌اس‌دی را روی سقف دهانش قرار می‌دهد «بستگی به فازت داره چون من بیشتر فاز طراحی برمی‌دارم برای همین احساس می‌کنم کاغذ باهام حرف می‌زنه و شروع می‌کنم به طرح‌زدن.» شش تا ۱۲ ساعت با ال‌اس‌دی دنیا را ترک و در هوا سیر می‌کند.

به گفته معیدفر، جامعه‌شناس، یک نوع رفتار هیجانی است که فرد در دوره جوانی با توجه به روحیه هیجان‌پذیری‌ای که دارد به سراغ موادی مانند ماری‌جوانا که ویژگی نسل‌های جوان‌تر را دارد می‌رود تا آن حالت‌های خلسه و ابعاد هیجانی خود را بتواند پی‌جویی کند. این مساله تنها مساله کشور ما نیست بلکه در کشورهای توسعه‌یافته هم تقریبا در این سنین وضع به همین صورت است.

فقط کافی است بخواهند سراغ مواد خاصی بروند فعل خواستن را که صرف کنند مواد تا چند دقیقه دیگر در دستانشان قرار دارد. ساقی به‌وفور یافت می‌شود آنقدر که هربار به سراغ یکی بروند یا اگر نشد گزینه آخر، میهمانی‌رفتن است بدون اینکه هزینه‌ای بپردازند میهمان دوستشان می‌شوند. حتی کاغذهایشان را که مخصوص مواد گل است می‌توانند از کاغذکادوفروشی‌ها تهیه کنند. روژین به باغ فردوس به‌عنوان یکی از پاتوق‌های ساقی‌ها اشاره می‌کند «اونجا علنا جلوت علف می‌زنن.» فقط کافی است پول داشته باشی.

آریا به جنسی که مصرف می‌کند می‌نازد. به قیمتی که برای هربار مصرف باید بپردازد اشاره می‌کند و با غرور و افتخار از پولی که بابت جنسش می‌پردازد می‌گوید: برای هرگرم کوکایین دارم ۶۰۰هزارتومن پول می‌دم پس صددرصد، اعتیاد من با اونی که شیشه می‌کشه فرق می‌کنه. شیشه خودکشیه، مغز رو داغون می‌کنه. اصلا حاضر نیستم موادی مثل شیشه یا کراک بکشم. آدم یا نکشه یا اگر می‌کشه یه چیز خوب بکشه.

سارا اسم چند ساقی را در کنار هم ردیف می‌کند تا مرغوبیت جنس‌هایشان را به رخ بکشد و توجیهی برای عمل غیرموجهش پیدا کند: ماری‌جوانایی که ما می‌خریم برای هر دو، سه‌بار مصرف حدود ۱۵۰تومن می‌شود. یک ساقی تو تهران است که انگشترش مهره. انقد جنساش اعلائه مهرش رو روی همه جنساش می‌زنه دیگه وقتی اون باشه معلومه جنس عالیه.

یکی دیگه هست که مزرعه گل داره. یکی هم تو خونشون پرورش می‌ده. تخم گل‌ها رو باید از هلند بیارن اینجا پرورش بدن.

دکتر معیدفر، عضو هیات علمی دانشگاه تهران فرق میان درگیرشدن با مواد در مناطق برخوردار و مناطق فقیرنشین را این‌گونه بررسی می‌کند: فردی که در محله‌ای زندگی می‌کند که محله، درگیر مساله اعتیاد است و خرده‌فرهنگ‌هایی مثل اوباشی‌گری و اعتیاد جاافتاده حتی فرد در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که پدر و مادرش معتاد هستند در رابطه با اینها در واقع فرهنگ فقر و فضای فقر باعث می‌شود به صورت یک مساله اجتماعی دربیاید. به همین دلیل با تمام وجود، فرد را درگیر می‌کند چون مبدا اصلی واقعه فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است وقتی فرد وارد استفاده اولیه می‌شود برایش وابستگی به وجود می‌آید. درحالی‌که در مناطق برخوردار، مناطقی که دارای فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیستند و به صورت تفننی درگیر مساله استفاده از مواد مخدر می‌شوند شرایط اجتماعی به طوری نیست که فرد را به سمت استفاده کامل پیش ببرد و فرد به سرعت به روند عادی زندگی برمی‌گردد. البته ممکن است موارد نادری هم داشته باشیم که دچار ضایعه افراد فقیر هم باشد اما قابل‌قیاس با گستره مناطق فقیر نیست. استفاده از مواد مخدر به‌تنهایی اعتیاد را موجب نمی‌شود بلکه فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هم تاثیرگذار است.

آیدا زندگی را روی حرکت تندش قرار داده تا هرچه زودتر به پایان آن نزدیک شود. زندگی حالا برای او دیگر هیچ معنایی جز راهی برای خودکشی‌های دوباره پیداکردن ندارد. دوبار خودکشی کرده که هربار ناموفق بوده: «هنوزم اگر راهی داشته باشم، این کار را می‌کنم. این زندگی نیست.»

نگاه

«بنزن»، معضل اصلی آلودگی هوای تهران

فرزاد کلانتری

یکی از بزرگ‌ترین معضل کلانشهرهای کشور آلودگی هوا مخصوصا معضل مربوط به آلاینده‌های فرار که مهم‌ترین آنها «بنزن» است، به شمار می‌رود. «بنزن» ماده‌ای است که به‌عنوان حلال مورد استفاده قرار می‌گیرد و در موادی مثل گازوییل، رنگ، روغن و پلاستیک وجود دارد. از «بنزن» در فرآورده‌های مواد پاک‌کننده، مواد منفجره و داروسازی نیز استفاده می‌شود. اما معضل اصلی، «بنزن» موجود در بنزین می‌باشد.

میزان استاندارد «بنزن» موجود در بنزین در اتحادیه اروپا و آمریکا پنج‌درصد است درحالی‌که در کشور ما برای اینکه اکتان و احتراق را بالا ببرند میزان «بنزن» را تا ۵۰درصد افزایش داده‌اند. با توجه به اینکه «بنزن»، موارد مصرف گسترده‌ای در صنایع مختلف دارد و نیز به‌لحاظ مشکلات و خطرات گسترده آنها در صورت انتشار در هوا، میزان این آلاینده در هوای شهر تهران و چند جایگاه عرضه سوخت اندازه‌گیری شده که جای تامل بسیار دارد.

بر اساس مصوبه «شورایعالی حفاظت محیط‌زیست کشور» در جلسه مورخ ۸۸/۵/۱۱ استاندارد سالانه «بنزن» ۵/۱ PPM اعلام شد اما میانگین میزان «بنزن» اندازه‌گیری‌شده در هوای شهر تهران ۶/۵۲ PPM می‌باشد که باتوجه به استاندارد تعیین‌شده، حدود ۳۵برابر حد مجاز می‌باشد. بر همین اساس، میانگین وضعیت آلاینده «بنزن» در هوای جایگاه‌های عرضه سوخت شهر تهران ۷/۳۱۵ PPM می‌باشد به‌طوری که میانگین این غلظت حدود ۲۱۰برابر میزان استاندارد سالانه «بنزن» است. بنابراین میزان غلظت «بنزن» در هوای جایگاه‌های عرضه سوخت نیز شرایط بسیار نگران‌کننده‌ای دارد.

براساس اعلام وزارت بهداشت، سالانه چهارهزارنفر بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند و طبق برآوردهای سازمان بهداشت جهانی WHO، تخمین زده می‌شود که سالانه حدود دومیلیون مورد مرگ و میر بر اثر آلودگی هوا در دنیا اتفاق بیفتد. ترکیب آلاینده‌ها، میزان و زمان مواجهه افراد می‌تواند اثرات متفاوتی روی سلامت انسان‌ها داشته باشد. بر همین اساس WHO، «بنزن» را در ردیف اول موارد سرطان‌زا قرار داده است.

این ماده گرچه موجب بهترسوختن بنزین می‌شود اما مقداری از «بنزن» نسوخته که صددرصد سرطان‌زاست، وارد هوا می‌شود. به‌طوری که تنها در شهر تهران به‌علت غلظت چندبرابری استانداردهای بین‌المللی «بنزن» در هوا، ریسک ابتلا به انواع بیماری‌ها از جمله سرطان‌های خونی، به دلیل وجود این آلاینده افزایش یافته؛ همچنین تحقیقات نشان داده است که «بنزن» در محیط‌های کشت باکتریایی جهش‌زا بوده و باعث مسموم‌شدن جنین و اختلالات ژنتیکی و نیز لوکمی کودکان می‌شود. آژانس حفاظت محیط زیست آمریکا، «بنزن» را در گروه A مواد سرطان‌زا طبقه‌بندی کرده و همچنین آژانس بین‌المللی تحقیقات سرطان، «بنزن» را به‌عنوان ماده سرطان‌زا برای انسان معرفی کرده است. قرارگرفتن در معرض «بنزن» می‌تواند باعث سرگیجه، سردرد، تهوع، بی‌اشتهایی، خواب‌آلودگی، اختلالات عصبی و روانی، تاری‌دید، بیماری‌های تنفسی، تپش‌قلب، مشکلات کبدی و کلیوی شود.

بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌شود حداقل دوطرح بر زمین مانده سال‌های گذشته اجرایی شود:

اول اینکه: از سال ۱۳۸۲ خودروسازها ملزم به نصب قطعه کاتالیست و نصب قطعه کنیستر که جمع‌کننده بخارهای بنزین در خودروهاست، شده‌اند که این دستگاه‌ها در برخی مقاطع توسط برخی از خودروسازان حذف شده و در تعدادی از خودروها که نصب شده است پس از پایان عمر قطعه کاتالیست، این قطعه باید تعویض می‌شد اما چون هزینه تعویض این قطعه سنگین است، مشاهده می‌کنیم که این مساله کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

دوم: وزارت نفت نیز برای حل مشکل انتشار «بنزن»، طرحی تحت‌عنوان «کهاب» (کاهش، هدایت، انتقال و بازیافت) را پیگیری می‌کرد و نیز تا پایان سال ۸۹ باید استاندارد «یورو ۴» برای بنزین و گازوییل اعمال می‌شد ولی متاسفانه، نه‌تنها، استانداردمان با استانداردهای جهانی همخوانی ندارد بلکه با استانداردهای ملی خودمان نیز فاصله زیادی داریم.

جدول ۲۰۵۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بالابر طبقاتی - چشم زیردریایی ۲- شجاع- موزه دیدنی پاریس -طفیلی ۳ -شهری در عربستان -درک و فهم - سینه‌بند تکواندو ۴ - غیرطبیعی - خدمتکار پیر -از یک پدر و مادر ۵ - پوستین - تخت سلطنت - آسان ۶-از درختان جنگلی - مهربان و دلسوز - نقشه انگلیسی ۷ - پرنده‌ای از خانواده کلاغ - درست خواندن قرآن - واحد اندازه‌گیری شدت زمین لرزه ۸ - متقارب -فکر یا احساس تردیدآمیز و آزاردهنده - تازه بالغ شده ۹ -نوشین -ورزشگاه مشهور انگلستان - کویر مرکزی ایران ۱۰ - حرف پیروزی -از القاب اشرافی زنان اروپا - به طور امانت ۱۱-اعمال خشونت و سختگیری -تنبل - پیشوند سلب ۱۲- جزیی از هر عدد صحیح - قتلگاه - برشته شده ۱۳- دوست صمیمی - نامی دخترانه - ماده اصلی ۱۴ - عزیز و دوست‌داشتنی - کوتاهی در انجام کار -اسکلت فلزی اصلی ماشین ۱۵- تثبیت‌شده - دارویی برای تسکین درد و تب‌بری.

عمودی:

۱ - نام آذربایجانی - کنایه از چیزی را به یاد داشتن و فراموش نکردن است ۲ - پادشاهی - منسوب به خاندان بنی‌امیه - پست و فرومایه ۳ - پنجمین ماه سریانی - کوچک - زیبا و دلپسند ۴ - پدر سام در شاهنامه - یاغی و نافرمان - همراه چای ۵ - از نام‌های قرآن - ویتنام قدیم - ماه دهم ۶ - آزاد و رها - بازیکن دفاع آزاد - نامه نگاری ۷ - طرز و شیوه - سردار رومی که مغلوب سورنا شد - از ملزومات خوشنویسی ۸ - قول و قرار - روز عرب - نام غیر اصلی شاعر ۹ - ترس و بیم - با سرعت و عجله - صدا ۱۰ - پشت‌سرهم - شهری در استان آذربایجان‌غربی - خاک سرخ ۱۱ - سوره سی‌وششم - زندانی - مرکز کهگیلویه‌وبویراحمد ۱۲ - خالص - ایمان قلبی - بیماری ۱۳ - پرنده صلح - آش سنتی یزد - براق‌کننده پارچه ۱۴ - هر یک از بخش‌های مجزای قطار - ایمن‌ترین و کارآمدترین شبکه حمل‌ونقل عمومی - تحقیق و پژوهش ۱۵ - بازیگر مرد فیلم «امروز» - پول ژاپن.

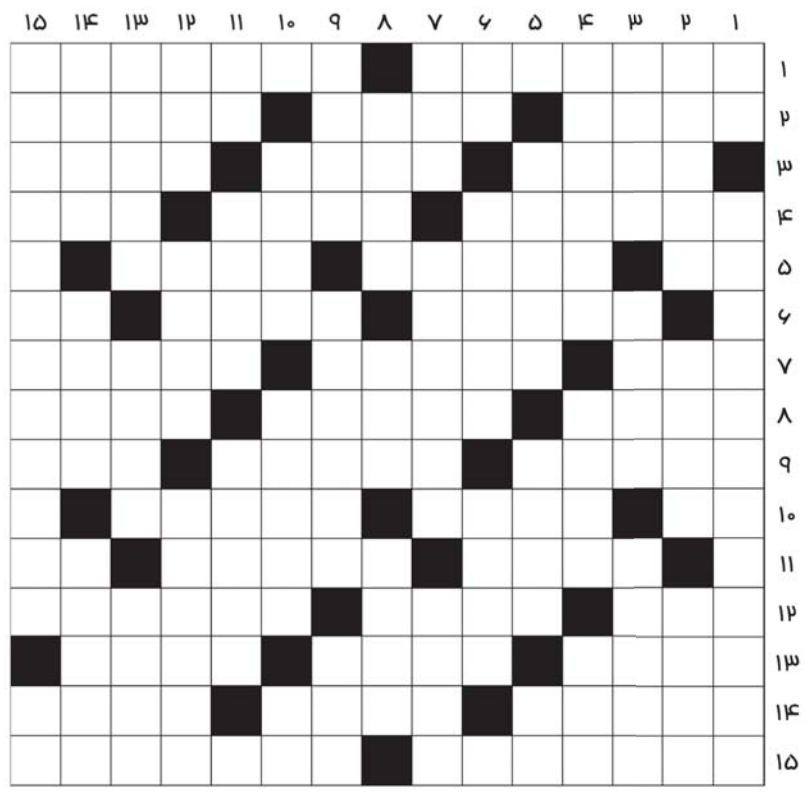

حل سودوکو سخت

۲	۹	۶	۱	۷	۴	۸	۳	۵
۳	۵	۱	۸	۲	۶	۷	۹	۴
۷	۸	۴	۹	۵	۳	۲	۶	۱
۶	۱	۸	۴	۳	۹	۵	۲	۷
۴	۷	۵	۶	۱	۲	۳	۸	۹
۹	۳	۲	۵	۸	۷	۴	۱	۶
۵	۴	۹	۲	۶	۸	۱	۷	۳
۱	۲	۷	۳	۹	۵	۶	۴	۸
۸	۶	۳	۷	۴	۱	۹	۵	۲

حل سودوکو ۱۰۴۶

۱	۵	۹	۲	۷	۸	۴	۶	۳
۸	۷	۶	۴	۹	۳	۵	۱	۲
۳	۴	۲	۶	۵	۱	۷	۸	۹
۷	۲	۱	۸	۳	۴	۶	۹	۵
۴	۶	۳	۵	۲	۹	۱	۷	۸
۹	۸	۵	۷	۱	۶	۲	۳	۴
۲	۱	۸	۳	۶	۵	۹	۴	۷
۶	۳	۷	۹	۴	۲	۸	۵	۱
۵	۹	۴	۱	۸	۷	۳	۲	۶

جدول ۲۰۴۹

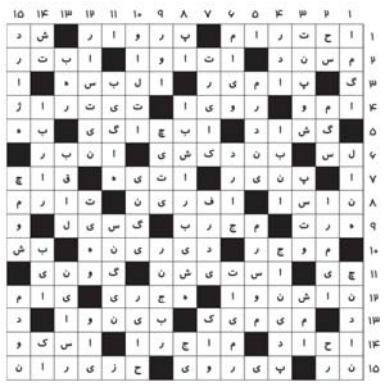

سودوکو سخت ۱۰۴۷

		۴	۹		۵			۷
	۱		۲	۸		۳		
			۳				۶	۸
۵						۶		۹
		۳	۸		۷		۴	
	۹			۵				
	۲				۸		۷	۴
۳						۲	۱	
	۴	۹	۱					

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۰۴۷

	۹		۸	۴	۳			
۸				۱	۹	۳	۵	۴
۱			۶	۷	۵			
۷	۶			۵				۹
۳	۱		۴		۷			۵
	۸	۴				۱	۷	۶
۹	۲			۸			۶	
		۸		۳			۲	۱
	۳	۷			۱			۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.